

هارون

حسن رضایی هفتادر

برادر و همراه موسی . نام هارون (هارون بن عمران) بیست و دوبار در قرآن آمده است . به او شأنی پیامبرگونه ، همردیف موسی ، عطا شده است ، چرا که او فرقان را دریافت کرده بود (۹- ۴۸ : ۲۱ رجوع کنید به ۵۳ : ۱۹ ، ۱۲۲ : ۷ ، ۴۵ : ۲۳ ، ۲۰- ۱۱۴ : ۳۷ ، و ۷۰ : ۲۰ و ۴۸ : ۲۶ که عبارت «ما به خدای موسی و هارون ایمان داریم» را نیز در خود دارد) ، و در کنار تعداد دیگری از پیامبران جای دارد . (۱۶۳ : ۴ ، ۸ : ۶) هنگامی که به موسی فرمان داده شد تا به نزد فرعون برود ، موسی از خداوند تقاضا کرد که هارون را وزیر او قرار دهد (۳۵ : ۲۵ ، ۷۵ : ۱۰ ، ۳۶- ۲۹ : ۲۰ ، ۱۳ : ۲۶ ، ۳۵ : ۲۸) . موسی همچنین از خدا تقاضا کرد تا اجازه دهد هارون سخنگوی او باشد ؛ زیرا هارون بسیار زبان آور بود (۵- ۳۴ : ۲۸) . صورت نام «هارون» در شعر عربی اولیه نیز شناخته شده بوده و از زبان عبری ، احتمالاً از طریق زبان سریانی وارد زبان عربی شده است .

در قرآن ، هارون در ماجرای پرستش گوساله طلا بسیار مورد توجه قرار می گیرد . این واقعه دوبار در قرآن ذکر شده است . در روایت نخست (۵۷- ۱۴۸ : ۷) ، داستان همانند سفر خروج بازگو می شود که خشم موسی نسبت به هارون کاملاً آشکار است هر چند نقش او در این واقعه به قدر یک تماشاچی محدود بوده است . اما در روایت دوم ، (۹۸- ۸۳ : ۲۰) یک نفر سامری به عنوان وسوسه کننده قوم اسرائیل معرفی می شود . او مردم را مجبور می کند تا زیور آلات خود را در آتش بیفکنند و او از آن گوساله ای می سازد علی رغم نصایح هارون ، باز مردم آن را پرستش می کنند . در این جا هم ، خشم موسی نسبت به هارون ، کاملاً آشکار است . بنابراین ، می توان گفت : که قرآن در کاستن از بار ملامت هارون با تغییر کتب مقدس یهود (midrash) هم عقیده است هر چند که این بی گناهی ، همانند تفاسیر یهودی به جایگاه هارون به عنوان کاهن اعظم ارتباطی ندارد ، ایده ای است که در قرآن ذکر نشده است .

در روایات اسلامی گذشته توجه زیادی به مرگ هارون



معطوف شده است. وقتی هارون مرد، مردم موسی را به قتل او متهم کردند اما فرشتگانی ظاهر شدند (یا دیگر مداخلات الهی صورت گرفت) تا سوء ظن آنان برطرف گردد. بنابر قصه‌های اسلامی، به هنگام مرگ موسی نیز، اتهام مشابهی به یوشع نسبت داده شد.

مسأله مربوط به هارون که از صدر اسلام موضوع مناقشات فراوان بوده، آیه ۲۸ سوره ۱۹ است که در آن، مریم مادر عیسی «خواهر هارون» خوانده شده است. (همچنین به آیه ۳۵ سوره ۳ رجوع کنید «زنی از عمران» و آیه ۱۲ سوره ۶۶، «مریم، دختر عمران، که پاکدامنی خود را حفظ نمود». مثلاً در کتاب صحیح، کتاب الادب مسلم، حدیثی از مغیره بن شعبه (وفات ۵۰/۶۷۰) آمده است که نشان می‌دهد ماهیت مجادله آمیز اتهام وجود «خطا» در قرآن، از همان ابتدای روابط مسلمانان با مسیحیان بوده است. المغیره می‌گوید: «وقتی به نجران آمدم، مسیحیان از من پرسیدند: شما در قرآن می‌گویید «ای خواهر هارون»، در حالی که موسی مدتها قبل از مسیح به دنیا آمده بود. هنگامی که به نزد پیامبر خدا بازگشتم؛ نظر او را در این رابطه جويا شدم و ایشان فرمودند: مردم عادت داشتند که نام پیامبران و [دیگر] اشخاص دینی پیشین را [برای نامیدن فرزندان خود] به کار ببرند.»

مطابق روایتی در انجیل، هارون خواهری به نام مریم داشت (که بنابر سفر خروج ۷-۴: ۲ در لابلائی نیز از مواظب موسای نوزاد بود، به نام او را در سفر خروج در ۱- ۲۰: ۱۵ مراجعه کنید) البته او «مریم»، مادر عیسی نبود و احادیث اسلامی هم هیچگاه چنین فرض نکرده‌اند. مثلاً طبری (وفات ۳۱۰/۹۲۳) در صحبت از مریم می‌گوید که مردم در مراجعه با فرزند او چنین گفتند: ای خواهر هارون، پدرت مرد شروری نبود و مادرت نیز دامنی پاک داشت، پس ای خواهر هارون، چرا به چنین وضعی دچار شدی؟ «طبری این موضوع را چنین توضیح می‌دهد: [مریم] از نسل هارون، برادر موسی بود و این عبارت به این می‌ماند که بگویم ای برادر فلان و بهمان قبیله «که حاکی از یک نوع رابطه فامیلی است [و نه ضرورتاً همان رابطه‌ای که ذکر شده است]. (تاریخ، جلد اول ۷۳۴، ام. پرلمان (ترجمه)، History، جلد چهارم، ۱۲۰). دیگر مفسران عقیده دارند که هارون مورد اشاره در این آیه، برادر نسبتاً ناشناس مریم،

مادر عیسی و الیزابت، مادر یحیی تعمید کننده است که از طریق پدر خویش، عمران بن مثنان (matthan) با یکدیگر نسبت داشتند. (رجوع کنید به بیضاوی، انوار ذیل آیه‌های ۳۱-۳۰ آل عمران).

آندرو ریپین

